

مناظره مسلمان و داروین

-۲-

مسلمان : اولاً از کجا این طبقاتی را که گفتی ثابت میکنی؟ و چگونه با ثبات میرسانی که سنگواره هر طبقه بر سنک شده طبقه پیشین مترتب خواهد بود؟

ثانیاً - از شما میپرسم چه کسی حیات را در عناصر اولیه آفرید؟ و آیا در طبقات زیرین سنگواره عناصر اولیه را یافتی؟

شاگرد شما «سلامه موسی» میگوید: «ما تا کنون به اهمیت اولیه زندگی پی نبرده ایم، چه بسا از عناصر اولیه هم بسیط تر باشد، و آنچه این بحث را مشکلتر مینماید آنستکه: در طبقات زمین شواهدی نیست که بما کمک دهد».

بنابراین شما چگونه میتوانید بگوئید که: اولین حیاتی که در روی زمین یافت شده، همان عناصر اولیه است؟ در صورتیکه برای اثبات آن هنوز در سنگواره ها هم دلیلی نیافته اید!

ثالثاً مثل معروفی است که «عدم الوجود ان لا یبدل علی عدم الوجود» نیافتن دلیل نبودن نیست. اگر شما در طبقات زیرین زمین پی جوئی نمودید و انسان یا چیز دیگری را نیافتید، آیا میتواند دلیل باشد بر اینکه در آن طبقات سنگواره انسان نبوده است؟ و آیا شما همه اطراف زمین را حفر کردی و پس از جستجوی کامل چیزی نیافتی؟

رابعاً - بر فرض، ماهمه اطراف زمین را کنده ایم و در آن طبقات زیرین انسان را نیافتیم، ممکن است که عواهل تحجیر و سنک شدن در این طبقه از زمین برای انسان فراهم نیامده است، پس چگونه میتوانید بگوئید که: در طبقات زیرین انسانی نیست؟

خامساً - اگر فرض کردیم که بهیچوجه در طبقات زیرین انسانی یافت

نمیشود ، آیا این ترتیب که در سنگواره‌ها است میتواند بر این تحول خیالی دلالت داشته باشد ؟ اگر کسی بشما بگوید : خداوند اول در طبقات زیرین زمین اسفنج و... را آفریده و همینطور در طبقات بالاتر ... هر یک را مستقلاً آفریده است ، چه جوابی دارید ؟

آیا اگر یک ماشین «فولکس واگن» در طبقه زیرین ساختمانی بود ، و ماشین بزرگتری در طبقه دوم ، و همینطور ماشین بزرگتری در طبقه سوم بود ، دلیل بر آنستکه ماشین کوچک خود بخود تحول یافته ، و بصورت ماشین بزرگتر درآمده است ، بدون آنکه سازنده‌ای در آن دخالت کرده باشد ؟

اگر فرض کنیم که : نیویورک (بزرگترین شهرهای آمریکا) یکباره زیر و رو شد ، و پس از هزار سال یکنفر پیدا شد و یکی از ساختمانهای آنرا کشف کرد که در طبقات آن ماشینهای بسیاری بود آیا میتواند مانند شما این طبقه بندی را دلیل بر تحول ماشین بگیرد ؟ و اگر چنین حرفی زد شما چه جوابی باو خواهید داد ؟ و چه امتیازی میان گفتار شما و سخن او میباشد ؟

سادسا - یافتن سنگواره پرنده‌ای دندان دار ، و یا اسبی انگشت دار ، چه ربطی با تحول دارد ، و چه عیب دارد بگوئیم که : این حیوان از عجائب خلقت و نواد آفرینش بوده است ؟ همانطور که در زمان ما پرنده گان و یا حیوانات خارق العاده یافت شده است .

و چه بسا ممکن است که این سنگواره اسب انگشت دار ، عوامل طبیعی زمین در ادانگشتانی نقش بسته همانطوریکه قطرات باران در کوهها اثر پای پرنده گان را نقش می بندد (۱) ممکن است در اطراف پاهای این اسب هم عواملی بوده که آنرا بشکل انگشت دار نموده است .

سابعا - ممکن است اصلا پرنده دندان دار در زمانهای گذشته خود نوعی از پرنده گان بوده که منقرض گردیده و نژاد آن از بین رفته است ، همانطوریکه باعتراف خودتان بسیاری از انواع حیوانات منقرض شده است .

مگر شما خودتان نمیگوئید که : انواعی از پرنده گان و خزندگان

(۱) بکتاب «نظریهٔ تطور و اصل انسان» مراجعه کنید .

وماهیان منقرض شده؟ چه اشکالی دارد ، آن پرنده دندان دار و آن اسب پنجه دار هم از این قبیل باشد ؟

فاهناً - اگر سنگواره‌ها دلیل بر تحول انواع است ، بچه دلیل خزندگان کنونی ، پرندگان کنونی ، و میمونهای فعلی تحول نمی‌یابند؟

آیا قانون تطور و تحول برای يك دسته مخصوص اجراء شد و ترقی کردند ، و قسم‌های عالیتری تبدیل شدند ، و دسته‌های دیگر در جای خود باقی مانده ، و در جامیز نند؟ ۱؟

مگر حیوانات باهمدیگر چه فرقی دارند و یا قانون تحول ملغی گردیده است ؟

تاسعاً - فرض زندگی برای عناصر اولیه ، نمیتواند برای حیات ملیونها جاندار دیگر کافی باشد . آیا حیات این همه موجودات از کجا آمده است ؟ بنظر شما اگر در اینجا يك قطعه آهن بود ، دلیل خواهد بود بر اینکه ملیونها تن آهن وجود دارد ، نه خیر !

خلاصه : داروین ! این همه اشکال بر فرضیه شما وارد میشود ، چه جوابی برای آنها دارید ؟

داروین - فکر میکنم ! ~~بناچاره~~ **بناچاره همیشه**

مسلمان - دلیل دیگری هم دارید که باین تحول ادعائی دلالت داشته باشد ؟

داروین - شما دلیل اول مرا پذیرفتید ، تا برایتان دلیل دیگری بیاورم ؟

مسلمان - خیر ! زیرا برهان منطقی برای آن نداشتید ، اگر کسی ادعا کند که موجودات زنده برگشتشان بسلولهای حیاتی است که در زمانهای پیش زنده بوده‌اند ، و پس از تحولات بسیاری حالیه بصورت انسان درآمده‌اند و هیچگونه دلیلی هم برای اثبات خیال خود نمی‌آورد ، آیا شما انتظار دارید که نظریه اش پذیرفته شود ؟

ادعای شما مانند ادعای کسی است که میگوید : علم همه دانشمندانی که در جهان پراکنده‌اند از يك ملخ گرفته شده که در صحرای آفریقا است ،

و هنگامیکه برای اثبات این ملخ از او دلیل بخواهند در جواب بگویند : دلیلی بر وجود آن ندارم ! آیا شما انتظار میبرید که مردم حرف این شخص را بپذیرند ؟ از سایر دلائل آن که در باره حفریات و اثبات تحول بود ، با آنهمه اشکالاتی که دارد و نمیتوانید با آنها جواب دهید صرف نظر میکنیم .

داروین - آری شما وعده دادم که در جواب فکر خواهم نمود .

مسلمان - آری هزار سالی وقت لازم دارید !

ولی آیا برای اثبات تحول دلیل دیگری هم دارید ؟ یا دلیل شما فقط همانی بود که گفتید . ؟

داروین - آری باز هم دلیل هائی دارم .

مسلمان - آن دلیل ها چیست ؟

داروین : کتابخانه مدرسه فیضیه قم

۱ - شباهت هائیکه میان بیشتر مخلوقات بچشم میخورد .

۲ - تحول برخی از حیوانات ؛ و نباتات ، و انسان بواسطه محیط .

۳ - برگشت بعضی اشیاء باصل اولی خود .

۴ - آثار زائد ، که در بیشتر جانداران بجای مانده است .

۵ - تنازع بقاء . . .

۶ - انتخاب اصلح

مسلمان . لطفاً اینها را شرح بدهید ! (نامام)

(بقیه از صفحه ۶۳) موقعیت و پیشرفت شمارا از پروردگار متعال خواستارم .

سید اسماعیل رسول زاده - نماینده خوی

* * *

ما این روشن بینی و اقدام خدا پسندانه این روحانی عالیقدر را ستوده و از ایشان و همکاران ارجمندشان و کسانی که در این راه ایشان را یاری میکنند تشکر نموده ، امیدواریم این سنت حسنه و روش نیکوی ایشان و رد استقبال و پیروی برادران ایمانی و دانشمندان ارجمند شهرستانهای دیگر واقع شود و بدینوسیله بهره های سرشاری نصیب جوانان و برادران اسلامی و هم مؤسسات علمی و دینی بگردد .